

روش شهید صدر^(۵) در کشف نظام اقتصادی و تکمیل آن

مصطفی غفوری

چکیده

روش شهید صدر در کشف نظام اقتصاد اسلامی، با وجود ارائه روش‌های دیگری پس از ایشان، همچنان پیشتاز و پیشرو این عرصه است، نظر به اهمیت و ضرورت اجتماعی تعیین موضع شریعت در قبال نظامات اجتماعی و عدم تکمیل و استمرار روش ایشان علی‌رغم مطالبه شهید صدر^(۵) در اثر گرانسنگ اقتصادنا، سعی می‌شود تا به روش توصیفی-تحلیلی روش کشف ایشان در اقتصادنا را به دست آورده و با پیشنهاد روش‌های تکمیلی قدمی رو به جلو در این عرصه برداریم.

در این مقاله ضمن بررسی اهم رویکردهای استنباط کلان و جامع‌نگری به شریعت جهت کشف نظام پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش که با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از تکنیک‌های روش زمینه‌ای انجام پذیرفته است، روش‌های ارائه شده علاوه بر اینکه رویکرد عملی نداشته، بعضاً فقط بیان ضرورت کشف نظام بوده و برخی روش موقت یا ابداعی که با مشکل عدم امکان صحت انتساب به اسلام مواجهند؛ بنابراین روش‌های ارائه شده با روش شهید صدر بسیار فاصله دارند.

واژگان کلیدی: روش کشف نظام؛ نظام اقتصاد؛ نظام اقتصاد اسلام؛ شهید صدر.

مقدمه

لزوم کشف نظامات اسلامی جهت استفاده از آن در عرصه اجتماعی بعد از ظهور برخی کاستی‌ها در دیگر نظام‌ها، همچنین با روشن شدن تأثیر نظام‌ها در سبک زندگی و حرکت اجتماعی و ارتباط وثیق آن با مسئله هدایت بشر بیش از پیش نموده است، از این رو با ملاحظه احکام اسلامی روشن می‌شود که: اولاً احکام مبین اسلام فقط فردی نبوده، بلکه احکامی ناظر به جامعه و اجتماعی را نیز شامل می‌شود؛ ثانیاً هرچند در وهله اول احکام شریعت پراکنده به نظر می‌رسد و در ابواب مختلف بیان شده اما در واقع هر یک به دیگری مرتبط است (صدر، ۱۴۱۷هـ: ۲۹۳)؛ ثالثاً کشف این روابط میان احکام شرعی امکان پذیر بوده و بعضاً به آن اشاره شده است؛ رابعاً بر اثر تلاش‌های دانشمندانی همچون شهید صدر این امکان عملاً به یک واقعیت تبدیل گشته است.

از سوی دیگر ما برای کشف یک نظام تشریحی از منابع اسلامی نیازمند:

۱. یک روش مشخص هستیم، چراکه مسیر هر بحث علمی متوقف بر اتخاذ یک روش مشخص است و الا فاقد وصف علمیت خواهد بود.
۲. این روش باید از منظر دانش مربوطه قابل دفاع باشد که در اینجا، دانش اصول فقه متکفل بحث روش مباحث فقهی است.
۳. به نظر می‌رسد که در این زمینه روش‌های متعددی ارائه شده است، که در این مقال ما در صدد تبیین این روش‌ها و ارزیابی آن‌ها برآمدیم.
۴. این بحث فعلاً درباره کشف نظام اقتصاد اسلامی است، که اگر توانستیم آن‌را ثابت کنیم در مرحله بعد می‌توان به کشف نظام در سایر عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی تربیتی، مدیریتی و... تعمیم داده شود.

پیشینه تحقیق

۱. کتاب اقتصادنا مبتکر روش کشف نظام های اجتماعی اسلام، با ارائه مکتب اقتصادی، دو راه را برای دستیابی به علم اقتصاد اسلامی مطرح می کند، راه اول با تجزیه و تحلیل جامعه مسلمان واقعی و راه دوم فرض مکتب اقتصاد اسلامی در جامعه که با تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی این جامعه به علم اقتصاد اسلامی دست یابیم، ایشان راه اول را ترجیح می دهد؛ چراکه راه دوم امکان عدم تطابق نظر و واقع را دارد و چون مردم التزام عملی به اسلام ندارند راه حل نخست را نیز دشوار می بیند (صدر، ۱۴۱۷ه: ۳۳۴).
۲. مقاله «فقه النظرية» به تبیین فقه نظریه و نحوه بهره مندی از منابع توسط شهید صدر & می پردازد (غفوری الحسني، ۱۳۷۹، ش ۲۰).
۳. مقاله «معناشناسی نظام سازی و روش شناسی کشف نظام از منابع دینی» می کوشند با معناشناسی نظام سازی، روش شناسی کشف نظام از منابع دینی، مبتنی بر رویکردهای مختلف موجود، تنقیح و تبیین کند (رضایی منش و بابایی مجرد؛ ۱۳۹۴).
۴. مقاله «فقه حکومتی از منظر شهید صدر &» به تقریر نظریه ایشان در باب فقه نظامات، ویژگی ها و تفاوت آن با فقه موجود را بررسی می کند (میرباقری و...، ۱۳۹۵).
۵. مقاله «بازیپوهی امکان و حجیت نظام سازی در فقه» نظام سازی فقه، در کنار عناصر ثابت، عنصر منعطف (منطقة الفراغ) را تضمین کننده پاسخگویی به اقتضات اجتماعی می داند، تا به فقه نظام دارای حجیت شرعی دست یابد (علی اکبری بابوکانی، ۱۳۹۴).

۶. مقاله «استلزامات روشی نظام سازی با تکیه بر اندیشه شهید صدر+» ماهیت روشی چنین نظریه مستلزم پوشش ۳ معیار انسجام، کارآمدی و معذرت شرعی دانسته که تلفیق روش های عقلی، نقلی و تجربی برای پوشش آن ضرورت دارد (کدخدایی، ۱۳۹۸).

۷. مقاله «اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر» در مصاحبه با آیت الله سیدکاظم حائری در درصدد پرسش از اشکالات مطرح بر روش شهید صدر بر می آید (یوسفی، ۱۳۸۰).

۸. مقاله «روش کشف نظام اقتصادی اسلامی»، بر اساس تقسیم چهارگانه عناصر سیستم اقتصادی و کلاوهاالسوسکی به تبیین آن ها در نظام اقتصاد اسلامی می پردازد. در مقاله «روش کشف نظام اقتصادی اسلام» روش اجتهاد سیستمی با گسترش اجتهاد احکام فرعی به هدف ها، مبانی و روابط و ترکیب با روش مطالعه نظام اقتصادی کلان، اقتصاد اسلامی را منسجم درک کرد (میرمعزی، ۱۳۷۹).

پژوهش حاضر با بررسی روش های کشف نظام و احصای ویژگی های هر یک به تکمیل و تقویت آن ها پرداخته تا گامی رو به جلو در این مجال باشد. نتایج این پژوهش که با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از تکنیک های روش زمینه ای انجام پذیرفت، نشان می دهد که با تقویت روش های مطرح می توان بخش گسترده ای از نظامات اجتماعی فقه دست پیدا کرد.

ضرورت تعیین روش

صرف ادعای ظرفیت داشتن منابع اسلامی در پاسخگویی نیازهای انسانی و جوامع بشری راهگشا نخواهد بود، چنانکه بدون روش متناسب نیز نمی‌توان به این مهم دست یافت، چراکه تا کنون نیز این امر در پاسخگویی نظام‌های اجتماعی نتوانسته گام‌های مؤثری بردارد. بر این اساس ارائه متد و روش متناسبی که توانایی استنتاج نصوص و منابع وارده را داشته باشد ضروری می‌نماید. هرچند در این عرصه صاحب‌نظران روش‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند اما هنوز این دیدگاه‌ها به پختگی لازم نرسیده، و نیاز مبرمی به ارزیابی و تکمیل دارد، و در حوزه دانش اصول فقه هنوز جا نیافتاده است، تا با سنجش اشکالات و رفع ایرادات موجود دست‌آوردهای فقهای بزرگی که در این عرصه خدماتی عرضه داشته‌اند، تکمیل گشته و حاصل این زحمات به نتیجه مطلوب برسد.

از آنجا که روش کشف نظام و مکتب اسلامی شهید صدر امری بسیار دقیق و پیچیده است، ایشان با بیان اجمالی و ذکر نمونه‌هایی گذرا در اقتصادنا از آن عبور کرده‌اند؛ برداشت‌های متفاوتی از روش ایشان شده، و البته برخی به نیز به دنبال تکمیل یا تغییر آن بوده‌اند، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

روش حرکت از روبنا به زیربنا (قهقرایی):

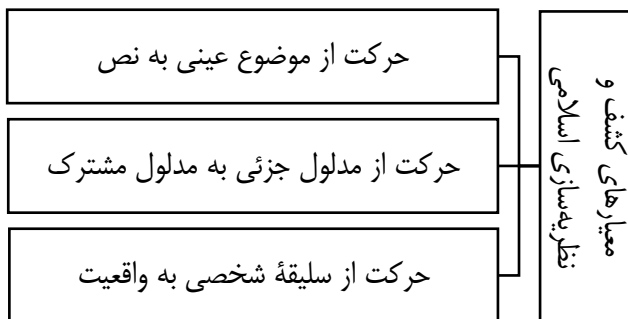
رضایی منش مراحل کشف نظریه را از نگاه شهید صدر به طور خلاصه این‌گونه بیان می‌کند:

۱. استنباط و استخراج مکتب اقتصادی اسلام از نصوص موجود در کتب روایی؛
۲. لزوم مراجعه به احکام و قانون مدنی برای یافتن پاسخ‌های اساسی؛
۳. استفاده از نظر مجتهدان دیگر برای انسجام‌بخشی به مکتب اقتصادی در عالم اثبات؛

۴. تأمین حجیت با حکم ولایی به ایجاد این سیستم؛

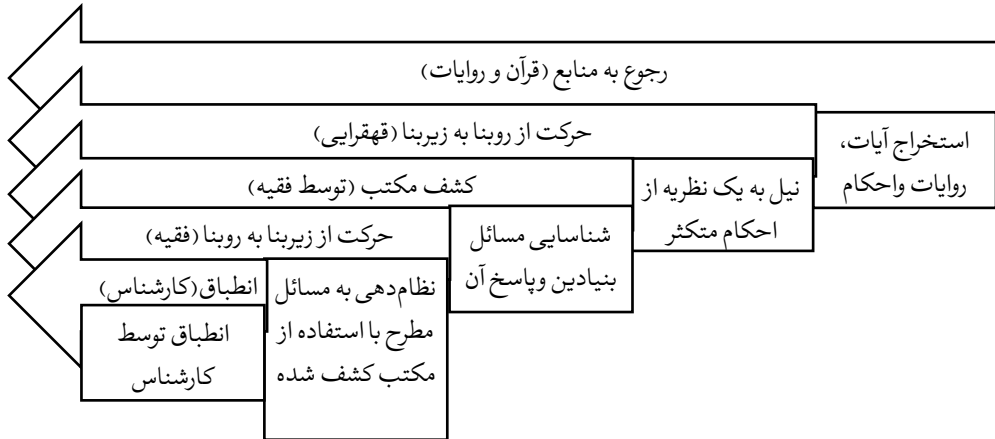
۵. ایشان که روش کشف و نظریه سازی اسلامی را «روش موضوعی» نام نهاده اند (صدر، ۱۳۷۵) سه معیار را برای آن در نظر می گیرند (الهی خراسانی، ۱۳۹۳: ۷۴):

۱. حرکت از موضوع عینی به نص: مسئله خارجی را به قرآن و سنت عرضه می کنیم تا نظریه فراگیری در آن موضوع استخراج شود.
۲. حرکت از مدلول جزئی به مدلول مشترک: مجموعه آیات و احکامی که در یک موضوع مشترکند را به گونه ای فراگیر مطالعه کنیم و میان آن ها، نظم و انسجامی پدید آوریم.
۳. حرکت از سلیقه شخصی به واقعیت: برای اطمینان از اینکه نظریه برآمده از منابع اسلامی بیانگر نظر اسلام است، بر اساس رابطه ای که میان قانون مدنی و مکتب وجود دارد، وقتی تصویر روشنی از نظام یا برخی ابعادش نداریم، می توانیم آن را از راه قانونش کشف کنیم.



شکل (۱): معیارهای کشف نظریه اسلامی در رویکرد قهقرایی

مدل زیر را به عنوان روش شهید صدر در کشف نظام و مکتب اجتماعی ارائه می دهد.



روش شهید صدر (۵) در کشف نظام اقتصادی و تکمیل آن

شکل (۲): روش کشف نظام و مکتب از نظر شهید آیت الله صدر

براین اساس فقیه در هر کلان ساحت از بخش های مختلف، حداقل باید در دو مرحله به استنباط بپردازد: در مرحله اول، باید ادله و نصوص شرعی و فقهی (آیات، روایات، سیره و اجماع معتبر) را ملاحظه نماید و به استنباط بپردازد. در مرحله دوم باید نظام و سیستم مورد نظر قانونگذار در آن ابرساحت را کشف کند. کشف این نظام نیز به دو شکل قابل تصور است (رضایی منش، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

بررسی

از آنجا که شهید صدر مشخصاً مراحل کشف نظریه و نظام را در دو مرحله تعیین کرده اند:

۱. ساماندهی احکام به عنوان روبنا

۲. کشف نظریه به عنوان زیربنا که در ارائه نظریات توزیع پیش از تولید و پس از تولید و خود تولید به همین نحو عمل کرده‌اند.

بنابراین این ۵ مرحله نکات تکمیلی و برداشتی ایشان از نظریه شهید صدر است. لکن عمده اشکال آن پرداخت کلی است که مصون از دخالت سلیقه شخصی نیست، چراکه به جریان رفت و برگشتی نظریه فرضی با نصوص وارده توجه نشده است، تا از سلامت فرضیه خود مطمئن گردد.

روش استدلال‌ینی و لمی

میرمعزی برگرفته از دیدگاه شهید صدر برای دستیابی به اصول مذهب سه راه ارائه می‌دهد:

الف) کشف اصول مذهب به عنوان زیربنا از احکام اخلاقی و فقهی بعنوان روبنا از راه استدلال‌ینی

ب) استنتاج اصول مذهب به عنوان روبنا آموزه‌های هستی‌شناسانه بعنوان زیربنا از راه استدلال‌لمی

ج) استناد به نصوصی که به اصلی تصریح کرده‌اند.

فقیه می‌تواند پس از اجتهاد اول (استنباط احکام حقوقی-اخلاقی) به اجتهاد دوم (استنباط اصل مکتبی از احکام) بپردازد. در اجتهاد دوم ممکن است فقیه با یکی از این صور روبه‌رو شود:

۱. در میان احکام مربوط به یک موضوع مانند منشأ درآمد، اکثر احکام مبتنی بر یک اصل باشند؛ مثلاً اگر اکثر احکام بر اصل «کار منشأ درآمد است» مبتنی باشند و تعداد کمی از احکام اجاره یا بیع با آن تنافی داشته باشند. در این

صورت مجتهد اطمینان می‌یابد که اصل زیربنای اکثر احکام همان اصل مذهبی درست است و درباره استثنائات یکی از دو احتمال وجود دارد:

الف) در این استثنائات در استنباط حکم اشتباه کرده است.

ب) در استثنائات استنباط حکم اشتباهی نکرده اما حکم مبتنی بر اصل مکتبی دیگری است.

اما مجتهد به این احتمال که اصل مذهبی صحیح نباشد اعتنا نمی‌کند؛ زیرا بسیار بعید است که اکثر احکام سازگار با اصل مذهبی مستنبط باشند و در عین حال مجتهد در استنباط اصل اشتباه کرده باشد.

۲. در میان احکام مربوط به یک موضوع اکثر احکام مبتنی بر اصل مذهبی باشند و تعداد قابل توجهی از احکام نیز با این اصل منافات داشته باشند در این صورت است که سه احتمال وجود دارد:

الف) هر دو استنباط در اجتهاد اول و دوم صحیح باشد.

ب) مجتهد در اجتهاد اول اشتباه کرده باشد.

ج) مجتهد در اجتهاد دوم اشتباه کرده باشد.

در این صورت نیز چون فرض بر این است که مجتهد قواعد استنباط را در هر دو اجتهاد رعایت کرده است و از سویی علم اجتماعی به نادرست بودن یکی از این دو اجتهاد نیز ندارد؛ بنابراین باید حکم کند که هر دو اجتهاد صحیح است.

شایان ذکر است که این صورت که پنجاه درصد از احکام مطابق با اصل و پنجاه درصد مخالف آن باشند یا چهل درصد از احکام موافق با اصل و شصت درصد آن‌ها مخالف با اصل باشند اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا در این صورت مجتهد در اجتهاد دوم نمی‌تواند به ظن معتبری درباره اصل برسد؛ بنابراین شهید صدر^۵ نیز در سراسر کتاب اقتصاددانان در مواردی که

درصد کشف اصل مذهبی از فتوهای خود بوده با استثناهایی روبه‌رو شده است که نتوانسته بر اساس اصل مذهبی توجیه کند، به دنبال فتوهای موافق از فقیهان رفته و فتوای خود را در ضمایم توضیح داده است (میرمعزی، ۱۳۹۴: ۵۷-۲۶-۲۷).

بررسی:

شاید بتوان راه اول که با استدلال اِتی صورت می‌پذیرد را تا حدودی متناسب با روش شهید صدر دانست، که از روبنا قرار دادن احکام و اخلاق به زیربنای اصول مکتب می‌رسد؛ لکن استدلال لمی به روش ابداع نزدیک است چراکه اصول هستی‌شناسی را روبنای کشف اصول مکتب قرار می‌دهد که نمی‌تواند مورد تأیید روش مورد اشاره شهید صدر باشد. روش سوم که استناد به اصولی است که به اصل مکتبی اشاره می‌کند گرچه تعداد آن‌ها زیاده نیست همچنین احتمال انسجام داشتن بینشان را نمی‌توان با قاطعیت بیان داشت و اساساً این مورد روش نبوده و حداکثر می‌توان از آن‌ها به منزله احکام روبنایی استفاده نمود.

روش از وحدت به کثرت یا کثرت به وحدت و یا کثرت:

۱. روش وحدت به کثرت: زمانی که متعلق حکم شرعی اصلی، یک امر واحد معلوم است و نصوص شرعی بالمطابقه بر مطلوبیتِ علت یا معلول یک نظام دلالت داشته باشند، بالالتزام بر مطلوبیت آن نظام نیز دلالت خواهند داشت. مثلاً نظام وظیفه متعلق احکام شرعی نیست، بلکه معلول این نظام که تأمین امنیت و دفع دشمنان باشد متعلق حکم شرعی است. حال یا به تبع مطلوبیت معلول نظام و یا به تبع مطلوبیت علت نظام است.

لذا برخلاف برخی نظام‌های غیر اسلامی که تأمین را صرفاً اقتصادی، یا نظامی، یا سیاسی و یا حتی معنوی تعریف می‌کنند، نظام تأمین اسلامی اینگونه نیست و امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و معنوی جزئی از آن است نه همه آن. بنابراین آن واحدی که ما آن را بالذات

متعلق حکم شرعی دانسته و نظام موجد آن را مطلوب بالعرض می دانیم «تأمین من جمیع الجهات» یا نزدیکترین نظام تأمین از جهت کیف و کم به آن خواهد بود.

۲. روش از کثرت به وحدت: زمانی که متعلق حکم شرعی امور متعددی است نه واحد؛ یعنی علم به تکالیف متعدد بعضاً متزاحم داریم، اما نظم و نظامی برای امثال مجموعی یا حداکثری آن‌ها نداریم، لذا به عنوان مقدمه وجودی امثال - و یا مندوحه واجب الرجوع عند التزاحم - نظم واحدی را جستجو می کنیم که امثال مجموعی یا حداکثری احکام متکثره را برای ما ممکن کند. بدیهی است نظم مطلوب در هر دو صورت مقول به تشکیک بوده و آن نظمی بیشترین مطلوبیت تبعی را خواهد داشت که بتواند بیشترین امکان را برای عمل به مطلوب بالذات مفروض فراهم آورد، خواه واحد باشد و خواه کثیر. اگر در تقنین و اداره جامعه به عدم الردع اکتفاء کنیم، هیچگاه نظام مطلوب شارع یافته و ساخته نخواهد شد؛ اما اگر ما در نظام سازی، در کنار نگاه سلبی، نگاه ایجابی نیز داشته و علاوه بر زجرها، به بعث های شارع نیز توجه کنیم، دیگر سخن گفتن از نظامات فقهی سخنی گزاف نخواهد بود. چون صفات وجودی و ثبوتی نظامات تشریحی از دل این نگاه به منصفه ظهور می رسند و شکی نیست هر نظامی که منعکس واجبات و مطرذ محرمات باشد، متعلق اراده تشریحی غیری است و لو اینکه مهندس آن نظام به حسب ظاهر متشرعین باشند نه شارع.

۳. روش کثرت: در اینجا ما به سراغ مطلوب بالذات واحدی چون «تأمین جامع الجهات» که توانایی معرفی جزء یا کل یک نظام تأمین مطلوب به عنوان علت خویش را دارد نمی رویم. بلکه به سراغ مطلوبات بالذات متکثری که می توانند در ایجاد مطلوب واحد بالذاتی به نام «تأمین جامع» یک واحد را تشکیل دهند می رویم. به تعبیر دیگر نه تنها برای تشخیص هدف، که برای تشخیص طریق و

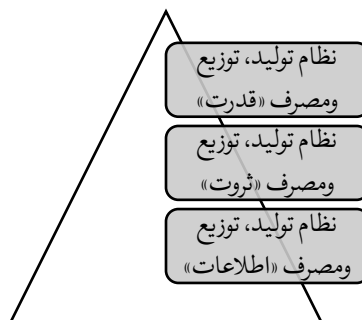
ساختار نیز از مطلوبات بالذات کمک می‌گیریم تا بتوانیم با حجّتی اقوی، نظام مستبسط مفروض را به شارع نسبت دهیم (کمالی، ۱۳۹۷).

بررسی:

هرچند در ارائه روش از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت عنوان روش آورده‌اند، لکن نمی‌توان بعد روش‌شناسی در این ارائه ملاحظه کرد؛ زیرا صرفاً به بیان ضرورت و مطلوبیت نظام‌سازی فقهی جهت پاسخگویی به نیازهای اجتماعی برآمده و روش خاصی در واقع ارائه نکرده است. حداکثر در روش از وحدت به کثرت و همچنین در روش کثرت با جمع‌آوری احکام کلی به استنتاج کلان می‌رسد، اما در این روش هیچگونه معیار محک جهت صحت سنجی آنچه را که مطرح کرده ارائه نمی‌کند؛ همچنین در روش از کثرت به وحدت در واقع دفاع از وجود نظام در شریعت است هرچند متشرعین مؤسس و مهندس آن باشند.

روش نظام ولایت و فلسفه شدن

ظرفیت اسلام برای حضور در همه ابعاد زندگی، مستلزم جریان توحید و تقوا به صورت کاربردی در عرصه فرهنگ و زندگی و جهت‌گیری جامعه بر اساس نظام نیازهاست. اصول نیازها در نظام‌سازی جامعه عبارتند از:



شکل (۳): اصول نیازها در نظام‌سازی جامعه

برای طراحی کلان جامعه و تمدن سازی، به سه محور ذیل نیاز است:

۱. تولید مفاهیم بنیادی و کاربردی (نظام مفاهیم)؛
 ۲. توزیع این مفاهیم در آموزش و فرهنگ؛
 ۳. ساختارسازی نهادها و ولایه های اجتماعی بر اساس این مفاهیم (نظام مناصب)؛
- هر یک از این محورها باید دو شاخص داشته باشند: استناد به دین و استناد به کارآمدی.

مفاهیم دینی باید به معادلاتی تبدیل شوند که قابلیت کنترل، پیش بینی و هدایت داشته باشند. برای دستیابی به این هدف باید چگونگی تبدیل نظر به عمل و نظریه کاربرد را توصیف و هدایت کند و معادلات لازم برای مدل سازی را تولید کند که به دین مستند باشند (میرباقری، ۱۳۹۱).

بررسی:

همچون مورد پیشین نمی توان بُعد روش شناسی در این ارائه ملاحظه کرد، در اینجا درصد بیان ضرورت و مطلوبیت نظام سازی براساس نیازهای نظام ولایی برآمده و در واقع روش خاصی را ارائه نکرده است، هرچند استفاده از مفاهیم در بدست آوردن نظام در کنار احکام تسهیل گر است؛ اما صرف تولید و توزیع مفاهیم به ساختارسازی نمی انجامد.

روش دین راهبردی

در این روش نظام سازی دینی باید دارای چهار شاخصه ذیل باشد:

۱. پاسخگویی نیازهای طبیعی و واقعی؛
۲. فرهنگ سازی و آینده سازی؛
۳. کارایی برتر نسبت به نظام های مشابه؛
۴. قابلیت استناد به اسلام و تفکر دینی؛

دین، هویتی سیستمی دارد و گزاره‌های آن، راهبردهای لازم برای برنامه‌ریزی و مدیریت جوانب گوناگون زندگی فردی و جمعی را ارائه کرده و راهبرد محسوس کردن کارآمدی دین در عرصه زندگی داشته باشد (نظریه دین راهبردی در برابر نظریه دین اقلی و اکثری). راهبرد تحقق این معنا، آنست که گزاره‌های دین به سه لایه نگرش ساز، راهبردها ساز (استراتژیکی) و راهکار ساز (تاکتیکی) تقسیم شده و مدل سازی به وسیله پیوند زدن این سه لایه به یکدیگر در مصادیق و موضوعات انجام پذیرد (واسطی، ۱۳۸۸: ۱۴۰). بر اساس رویکرد، نظام سازی در قالب چهار ابرمحور (ارتباط با محیط، ارتباط با هم‌نوع، ارتباط با خود و ارتباط با ماور) و در سه ابر فرایند (فکری- معرفتی) «مبناساز قوانین و اخلاق، هدف ساز و آرمان ساز»، قانونی و فرهنگی) و در ده زیرساخت و چهل کلان سیستم انجام می‌پذیرد.

بررسی:

این روش نیز همچون دو مورد پیشین، روش خاصی را در این مجال ارائه نکرده است، بلکه بیشتر بر بیان مراحل نظام سازی متمرکز بوده تا در ارتباط با جامعه و محیط عملکرد بهتری داشته باشد، اما اینکه تأمین انسجام و حجیت این روش چگونه به دست می‌آید را در این روش توضیح نداده است. و صرفاً دو معیار کارایی برتر نسبت به نظام‌های مشابه و قابلیت استناد به اسلام را کافی می‌داند.

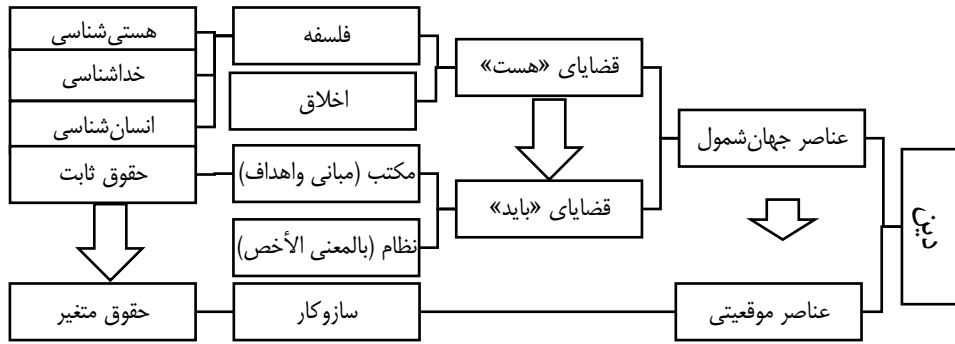
روش اندیشه مدون (هادوی)

بر اساس این نظریه، اسلام در هر زمینه بر اساس مکتب خود، مجموعه‌ای از نهادهای جهان شمول را عرضه می‌کند که با یکدیگر روابطی خاص دارند و نظام دستگامی هماهنگ را تشکیل می‌دهند و بر اساس آن «مبانی» تحقق بخش «اهداف» خواهند بود (هادوی تهرانی،

۱۳۷۷: ۱۰۲

۱۰۳. در استخراج ساختار دیدگاه اسلام در موضوعات اجتماعی به تفکیک عناصر موقعیتی و جهان شمول اسلام از یکدیگر به طرح مباحثی مانند بررسی سطوح و مراتب دین، عناصر ثابت و متغیر دین، تفکیک فلسفه، مکتب و نظام از یکدیگر بر اساس عناصر ثابت و متغیر دین و ارتباط

این سه محور با یکدیگر و... می پردازد (همان، ۹۹).



شکل (۴): ساختار کلی نظریه اندیشه مدون

بر پایه این نظریه، برای دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار در یک زمینه باید مراحل ذیل را پشت سر گذاشت (همو، ۱۳۷۷: ۱۱۰):

۱. استخراج و کشف عناصر دینی؛
۲. تفکیک عناصر جهان شمول از موقعیتی؛
۳. دستیابی به عناصر جهان شمول نهفته در ورائی عناصر موقعیتی؛
۴. طبقه بندی عناصر جهان شمولی در سه گروه فلسفه، مکتب و نظام؛
۵. هماهنگ سازی عناصر جهان شمولی برای رسیدن به مجموعه ای سازگار؛
۶. طراحی سازوکار بر اساس عناصر جهان شمول.

بررسی:

نوآوری این روش در بیان لزوم تفکیک عناصر جهان شمول از عناصر موقعیتی است، و سعی کرده معیارهایی نیز در این خصوص ارائه کند، لکن اینکه بتوان قاطعانه گفت عناصر جهان شمول با یکدیگر منسجم بوده و هیچ‌گونه اختلافی باهم نداشته و همچنین این عناصر در ترسیم نظام کفایت خواهد کرد ساکت است، هرچند اولاً با توجه به محدودیت منابع نمی‌توانیم از توان دلالی این منابع به صرف موقعیتی بودن به راحتی چشم‌پوشی کنیم، هم چنانکه دامنه وسیعی را نیز این موارد شامل می‌شوند؛ لکن ممکن است به جهت برجسب موقعیتی خوردن این موارد از نکات عام آن غافل شده و نتوان از دیگر ابعاد دلالی به جهت موقعیتی بودن استفاده کرد.

روش پارادایمی نظام‌سازی دین‌بنیاد

مدل پارادایمی مبتنی بر نظریه داده بنیاد، متعرض ماهیت نظام‌سازی به عنوان یک فرایند نشده؛ بلکه به لوازم و نتایج آن می‌پردازد. بر پایه این رویکرد، مفاهیم به دست آمده از ۳۰ مصاحبه با اندیشمندان حوزه نظام‌سازی، ابتدا کدگذاری باز و سپس محوری شده و ثمره این کدگذاری، مدل پارادایمی است. در مدل پارادایمی، شش مؤلفه مطرح است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴):

۱. شرایط علی: شرایط خاصی که بر راهبردها اثر می‌گذارند.
۲. مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است.
۳. شرایط زمینه‌ای: شرایط خاصی که بر راهبردها اثر می‌گذارند.
۴. شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها اثر می‌گذارند.
۵. کنش‌ها و برهم کنش‌ها

۶. پیامدها: خروجی های حاصل از استخدام راهبردها (رضایی منش، ۱۳۹۴: ۱۸۰-)

(۱۸۲).

بررسی:

این روش همچنان که اذعان نموده روشی را در نظام سازی یا نظام یابی ارائه نمی کند بلکه با استفاده از روش پارادایمی جنبه های مطلوبیت و ضرورت نظام را به صورت دقیق بررسی می کند بنابراین اساساً روش خاصی را در این عرصه ارائه نمی کند.

روش فقه نظام سیاسی

این رویکرد می گوید که نظام سازی به تئوری نیاز دارد و اگر این نظام، نظام اسلامی باشد، استنباطی است؛ از آنجا که فقه خرد و فقه مسئله نمی تواند تأمین کننده این تئوری باشد، تئوری نظام را باید از فقه کلان بدست آورد (اراکی، ۱۳۹۰). رابطه فقه سیاسی با فقه کلان نیز دوگونه است. نخست در بعد تئوری فقه نظام، حوزه هایی وجود دارد که این حوزه ها با فقه سیاسی در پیوند است؛ یعنی به عملکرد فقه سیاسی اجرا شده اساس شکل گیری یک نظام است؛ حال چه در بعد اقتصادی، چه در بعد فرهنگی و...، نظام های دیگر با یک نظام سیاسی در جامعه ظهور می یابند و به اجرا گذاشته می شوند (همان: ۲۴).

رویکرد استناد به قواعد عملی (ادله ولایت عامه)

روشی که شهید صدر به ویژه در نظریه منطقه الفراغ و حضرت امام خمینی در اختیارات ولی فقیه ارائه می دهند، بر این اساس است که کلیه نیازمندی های حاکم در گستره اعمال حاکمیت خود به هر مسئله، نظام یا موضوعی که نیاز پیدا شود، می تواند با استفاده از اختیارات حاکم، خلأهای نظام اقتصادی را با حکم ولی فقیه تأمین نماید.

بررسی:

با توجه به رویکردی که این روش به نظام اقتصادی دارد نمی توان نظامی را از منابع فقهی به دست آورد یعنی در منابع نظام یافت، بلکه خارج از منابع از روش هایی مانند اختیارات ولی فقیه و منطقه الفراغ استفاده نمود و در واقع باید مبتنی بر این قواعد نظام تشکیل داد. لکن به تجربه می توان دریافت که این روش نمی تواند به نظام منسجمی منتهی گردد، از نظر امکان نیز این نحو تشخیص نمی تواند حجیت انطباقی و انسجامی با شریعت و نظام داشته باشد و صرفاً راهکاری فوق العاده جهت عدم مواجهه با بن بست خواهد بود.

روش شهید صدر (مکتب)

ایشان روش کشف مکتب اقتصادی را از دو راه ممکن می بیند:

۱. تکوین و ابداع (حرکت از زیربنا به روبنا) در این روش، حرکت علمی از بنیانها و زیربنایها به فروع و روبناها (مکتب اقتصادی) می رسد. کما اینکه مکتب اقتصادی مارکسیسم بر اساس دیدگاه مارکسیسم نسبت به ماتریالیسم تاریخی شکل گرفت و به الغای مالکیت خصوصی دست زد.
۲. روش اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا)، به این بیان که محقق اقتصادی، با جمع آوری احکام و قوانین مدنی (مرحله ۱) و تنظیم و تنسيق آنها مکتب اقتصادی را (مرحله ۲) کشف می نماید. در اینجا شهید صدر می گوید: اگر فقهی از طریق مستنبطات خود نتوانست به مکتب اقتصادی برسد، می تواند به نظر دیگران مراجعه نماید (صدر، ۱۴۰۷هـ: ۴۳۲).

بر اساس نظر شهید صدر کشف مکتب و نظام بر نظریه های کلان استوار است، از دو مرحله اساسی تشکیل می گردد:

مرحله اول: ساماندهی احکام فقهی به عنوان روبنا (عملية التركيب بين الأحكام)

گام اول: تجمیع احکام مربوط به یک موضوع: در عرصه اقتصادی با جمع‌آوری احکام مرتبط با معاملات و حقوقی که روابط مالی میان دولت و جامعه را تنظیم می‌کند، و موارد مرتبط با دولت و سیاست کلان که مصرف منابع را تعیین می‌کند. و احکامی که نقشی در این خصوص ندارند خارج از بحث هستند. مثلاً اسلام ربا در معامله را همچون غش حرام می‌داند، اما تحریم ربا و ممنوعیت قرض با بهره در عمل کشف نقش دارد؛ چراکه جزئی از روبنای نظریه توزیع ثروت مولد است، و کاشف از قاعده عام توزیع در اسلام است. لکن حرمت غش در ساختار نظام نمی‌گنجد؛ لذا قوانین برخی کشورها با مکاتب اقتصادی متفاوت بر آن اتفاق نظر دارند (صدر، ۱۴۰۷: ۳۷۳) بنابراین عمل ترکیب بی‌ظابطه نبوده بلکه انتخاب موضوعی با احاطه کامل بر احکام است.

گام دوم: کشف دیگر عناصر در کنار احکام: دیگر عناصر دخیل در کشف نظام، مانند: مفاهیم، اهداف شریعت و منطقه الفراغ در نظر گرفته شود.

۱. مفاهیم: شامل هر دیدگاه و تصور اسلام که مفسر واقعیت اجتماعی و تشریحی باشد، هرچند مستقیماً شامل احکام نمی‌شود؛ لکن در عمل کشف کمک کننده خواهد بود. مثلاً مفهوم مالکیت در اسلام یعنی خدای متعال انسان را جانشین خود در بهرمندی از اموال و ثروت‌های طبیعی قرار داد، و در تشریح مالکیت خصوصی روشی در پیش می‌گیرد که در ضمن آن شرایط جانشینی فرد در حفظ و استثمار مال و مصرفش بر اساس مصلحت انسان محقق شود؛ مالکیت عملی است که فرد در جامعه به عنوان جزئی از آن انجام می‌دهد. در پرتو این مفهوم می‌توان نقشی که امثال این مفاهیم در عمل کشف می‌تواند ایفا کند را فهمید. این مفهوم دیدگاه اسلام جهت پذیرش متون شرعی که سلطه مالک را بر اساس مصالح کلی جامعه می‌بیند فراهم می‌کند. برخی مفاهیم قاعده‌ای ایجاد می‌کنند که می‌توان منطقه الفراغ را پر کرد. مفهوم تداول اساساً می‌تواند در انجام مسئولیت‌های دولت در تنظیم گردش مالی در جامعه عمل کند، در حدود اختیاراتش هر حرکتی که موجب دوری گردش مالی از تولید و

طولانی شدن مسیر کالای تولیدی و مصرف کننده شود را رد کند (غفوری الحسینی، ۱۴۲۱، ۲۰: ۱۳۸-۱۴۰).

۲. منطقه الفراغ: گستره‌ای که شریعت تعمداً امر تعیینش را به دست ولی امر وانهاده است، مانند آنچه در خصوص مباحاتی که شریعت تعیین آن را به فرد مکلف وانهاده که اگر خواست انجام دهد و یا ترک کند (صدر، ۱۴۱۷هـ: ۶۸۴).

مرحله دوم: کشف پایه‌های زیرینا (ترکیب احکام و عناصر آن)

در این مرحله مجموعه عناصر بدست آمده جهت دستیابی به نظریه عام می‌بایست ترکیب گردند؛ که کیفیت استنباط این عناصر، می‌تواند عمل اجتهاد را پیچیده کند، چنانکه فردی بتواند این مجموعه عناصر را ضمن اجتهاد شخصی از احکام بدست آورد و در جریان کشف اساس کلان نظریه اسلامی به کار بندد، بدون اینکه به تناقض یا تنافر بین عناصر آن مجموعه بیانجامد، فرصت ارزشمندی است که آن فرد به عنوان فقیهی که احکام را استنباط می‌کند خود جهت کشف نظریات مبادرت ورزد. اما اگر به این فرصت دست نیافت و اجتهادش او را در مواردی به نقطه مناسبی نرساند، و در میان عناصر یک مجموعه از یک فرد تناقض حاصل شد، باید در جریان اکتشاف عناصر مرددی که موجب تناقض نظری می‌گردد را کنار بزند، و با استفاده از احکامی که با اجتهاد دیگر مجتهدین به دست آمده است؛ که انسجام و تناسب بیشتری در عملیات اکتشاف دارد را جایگزین کند، تا با مجموعه یکدستی از اجتهادهای دارای انسجام به کشف نظریه برسد. و این مجموعه حداقل تصویری است که کاملاً صادقانه از واقع شریعت اسلامی می‌توان ارائه کرد. نه اینکه امکان تصدیقش دورتر از امکان صدق هر تصویر دیگری از صورت‌های متعددی باشد که در عرصه فقهی اجتهادی هست. و توجیه شرعی آنکه گویای اجتهادهای مشروع از کتاب و سنت است؛ به همین خاطر جامعه اسلامی می‌تواند در عرصه عمل، از میان صورت‌های اجتهادی گوناگون از شریعت یکی را انتخاب کند. این انتخاب نیز اجتهاد است لکن در حدود انتخاب صورتی از صور

اجتهادی، در اینجا نیز مجتهد بی‌ظابطه یا به دل‌خواه انتخاب نکرده بلکه در هر عرصه قویترین عناصر و فتاوایی که انسجام و توانایی بیشتری در حل مشکلات زندگی و تحقق اهداف والای اسلام دارد را انتخاب می‌کند؛ چراکه گاهی کشف نظریه اسلامی و قواعد عام شامل و کامل منسجم با روئنا و جزئیات تشریحی و فروعات فقهی محال است مگر بر اساس انتخاب شخصی (همان: ۳۹۸-۳۹۹. ر.ک: غفوری‌الحسنی، ش ۲۰: ۱۴۳-۱۴۵).

توصیه‌های تکمیلی مرحله دوم:

۱. شهید صدر معتقد است که فقه نظریه باید به صورت عملی بررسی شود (همان: ۴۰۰؛ غفوری‌الحسنی، ۲۰، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

۲. ایشان در مورد خطر ذهنیت و نفوذ دیدگاه شخصی در فرآیند اجتهاد هشدار داده و به چهار مورد از مهمترین دلایل آن اشاره می‌کند:

الف- توجیه واقعیت به جای تغییر واقع بر اساس نص.

ب- قراردادن نص در چارچوب فکری خاص استفاده از نصوص متناسب با چارچوب ذهنی.

ج- جداکردن دلیل شرعی از شرایط و قیودش بدون توجیه که غالباً در مورد تقریر صورت می‌پذیرد.

د- پیش‌فرض خاص در قبال نص مواجهه با نصوص با پیش‌فرض فردی یا اجتماعی نتایج متفاوت دارد.

هرچند شهید صدر در اقتصادنا روش کشف نظام و مکتب اسلامی را بیان نکرده‌اند؛ اما می‌توان مدل زیر را در روش مورد نظرشان چنین ترسیم کرد.



روشنایی نظام سازی و دولت سازی تمدنی

شکل (۵): مراحل کشف نظریه اسلامی در روش شهید صدر

بررسی تطبیقی روش کشف نظام در اقتصادنا

بخش اول: نظریه توزیع پیش از تولید:

مرحل اول: تجمیع احکام منابع طبیعی تولید:

الف) زمین: به ۴ دسته تقسیم و از مجموع احکام مالکیت زمین به دو لحاظ بررسی می‌گردد:

۱. بدون عنصر سیاسی: ۱. زمین آباد طبیعی: ملک دولت ۲. زمین غیرآباد ملک امام (دارای طبیعت عمومی)؛ بنابراین زمین طبیعتاً ملک امام (حافظ مصالح

عمومی) است، کسی مالکیت ندارد و اختصاص به فرد فقط بر اساس کار برای آبادی و بهروری آنست.

۲. لحاظ عنصر سیاسی: ۱. زمین های آباد با جهاد فتح شود (مالکیت عمومی) ۲.

زمین های آباد مناطقی که بدون جنگ بدست آید (حق اهل آن منطقه رعایت می شود): ۱: اگر آن منطقه به اختیار اسلام بیاورند همچون احیاگر حقشان به رسمیت شناخته می شود. ۲: اگر اهل آن منطقه صلح کنند دولت از حقش بر زمین به ازای امتیاز معینی حقشان را به رسمیت می شمرد.

بنابراین اساساً تمام زمین ها بلا استثناء ملك دولت است، در کنار آن حق اولویت احیاء برای فرد در صورت استمرار در احیاء و عدم منع امام وجود دارد، از اموال دولتی است که باید در جهت مصالح عمومی استفاده و حفظ شود (صدر، ۱۴۱۷ه: ۴۵۸. غفوری الحسینی، ۲۰، ۱۳۷۹: ۱۷۲).

چهار دسته زمین عبارتند از:

۱. معادن (مواد اولیه روی زمین): (۱) معادن ظاهر: (مالکیت عمومی)؛ (۲) معادن پنهان: (الف) نزدیک سطح زمین (مالکیت عمومی)؛ (ب) دور از سطح زمین (اختلاف میان مالکیت عمومی و دولتی)

در معادن ظاهر هر فرد می تواند از مواد معدنی متناسب با نیازش بدون ضرر به دیگران استفاده کند. اما در معادن پنهان مانند طلا و آهن با اکتشاف و حفاری به همان میزان حفر (حریم معدن) و نه بیشتر می تواند مالکیت خصوصی پیدا کند که حفاری به منزله احیاء (یا حیازت) است. دولت نیز می تواند زمین و معدن را به افراد جهت احیاء به صورت مقاطعه کاری بسپارد.

۲. آب های طبیعی:

الف) منابع ظاهر مانند دریاها، رودها و چشمه های طبیعی (مالکیت عمومی) که مالکیت شخصی با حیازت ممکن است؛

ب) منابع زیرزمینی: به میزان نیازش ملک کسی است که با عمل حفاری (حیازت) کشف می کند باید مازاد را مجانی به دیگران بدهد؛ زیرا همچنان مالکیت عمومی دارد.

۳. سایر منابع طبیعی: مانند مروارید و مرجان، از مباحات عامی است که افراد می توانند مالک شوند، اسلام مالکیت خصوصی مباحات را بر اساس عمل حیازت به گونه های مختلف جایز می شمرد.

مرحله دوم: کشف نظریه کلان نظریه توزیع پیش از تولید بعد از چند گام جمع بندی می شود.

جنبه منفی نظریه:

روینا:

۱. اسلام حق حمایت را لغو می کند.
۲. زمینی که امام به مقاطعه کاری می دهد بدون عمل احیاء هیچ حقی ایجاد نمی کند.
۳. معادن خیلی عمیق به ملکیت کسی در نمی آید.
۴. آب های ظاهر طبیعی مانند دریاها و رودها به ملکیت خصوصی در نمی آید.
۵. مازاد آب طبیعی بدون عمل به مالکیت در نمی آید.
۶. اگر فرد تلاشی در صید نکند مالک نخواهد شد.
۷. در سایر منابع طبیعی نیز بدون عمل به تملك نمی رسد.

از مجموع این احکام می‌توان فهمید که فرد بدو هیچ حق خاصی در منابع طبیعی ندارد، مگر با کار که تنها عامل اولیه کسب حقوق خصوصی در منابع طبیعی در این نظریه است که در هر نوع متفاوت است.

جنبه مثبت نظریه:

به موازات جنبه منفی و مکمل آن کار را اساس کسب هر حق و مالکیت خصوصی می‌داند.

روینا:

۱. هرکه زمینی احیا کند برای اوست.
۲. حفر و کشف معدن حق و مالک مقدار کشفی می‌شود.
۳. حفار چمسه آب طبیعی حق نسبت به آن پیدا می‌کند.
۴. هرکس حیوانی را صید، چوب را هیزم، سنگ را با حمل و برداشت آب از رود را با حیازت مالک می‌شود.

همه احکام در اینکه کار منبع حقوق و مالکیت خصوصی در منابع طبیعی است مشترکند، که عنصر ثابت کار در منابع طبیعی موجب حقوق خصوصی می‌شود. دو عنصر متغیر نوع کار و حقوق خاص مختلف می‌آفریند.

جنبه سوم نظریه:

بر اساس ارزیابی کار در نظریه می‌بایست احکام مختلف کار و حقوق مترتب بر آن را به عنوان روبنا جمع‌بندی کنیم.

روینا (ارزیابی کار در نظریه):

۱. اگر فردی زمین موات را احیا کرد بر آن حق یافته، باید مالیاتش را به امام بدهد.

۲. اگر فردی زمین آباد طبیعی را زراعت کند حق حفاظت و منع دیگران از آن را پیدا می‌کند اما امکان احتکار و منع دیگران در صورت عدم استمرار نخواهد داشت، تا زمانی که نشانه احیا وجود دارد می‌تواند مانع دیگران شود.
۳. حفر زمین جهت کشف معدن اگر دیگری مثلاً با حفر دیگری مزاحم او نباشد اشکالی ندارد.
۴. اگر زمین احیا شده خراب شود به حالت سابق برمی‌گردد، چراکه سبب تملک آن آبادی بوده و از بین رفته است.
۵. حفاری معدن یا چشمه اگر رها شده و به صورت طبیعی بسته شود، دیگری مجدد کشف کند حق او خواهد شد.
۶. حیازت به تنهایی سبب تملک یل حق در منابع طبیعی زمین نیست.
۷. حیوانات غیر اهلی با صید تملک می‌شوند.
۸. حفار چاه به اندازه نیازش حق در آب دارد، مازار را باید بلا عوض به دیگران ببخشد.
۹. شخصی که با حیازت مالک شده اگر رها کند حقش از بین می‌رود.

نکات مهم نظریه

۱. کار اقتصادی اساس حقوق در نظریه است: که بین دو نوع کار تفاوت قائل است، اول: انتفاع و استثمار: که طبیعتاً دارای وصف اقتصادی است، دوم: احتکار: بر اساس اعمال قدرت و نه انتفاع و استثمار است. منبع حقوق خصوصی کار نوع اول است. اما نوع دوم ارزشی ندارد چراکه بالواقع فعالیت

اقتصادی مفید نیست. بر این اساس نظریه کلان حیات زمین را کار نشمرده و حقی خصوصی برای آن قائل نیست، چون اعمال قدرت است نه کار انتفاعی.

۲. حیات طبیعت دوگانه دارد: حیات هرچند از نظر ظاهر نوع واحدی از کار است، لکن بر اساس نظریه کلان بر اساس نوع ثروتی که به فرد می رسد متفاوت است، حیات چوب با هیزم کردن، و سنگ با انتقال از بیابان عملی انتفاعی است. اما حیات زمین و معدن و چشمه اینگونه نیست، بلکه اعمال قدرت بر دیگران است.

۳. تفکیک بین کارهای دارای وصف اقتصادی: شریعت به افراد حق و مالکیت در منابع طبیعی را فقط با کار خاص انتفاعی و استثماری نمی دهد. مثلاً در زراعت زمین آباد طبیعی حقی که در احیای موات دارد نمی دهد.

۴. چگونگی اعطای حقوق خصوصی بر اساس کار: عامل مالک نتیجه عملش است لکن این حق به این معنا نیست که همه این اعمال با نتایج یکسان باشد، چراکه نتایجش مختلف و نوع حقوق خصوصی برآمده از آن نیز متفاوت است، مثلاً احیای زمین مواتی که امکان بهروری ندارد با آماده سازی آن قابل انتفاع می گردد که از این طریق نتیجه مهمی که با احیا بدست می آید قبلاً نبوده و فرصت انتفاع نداشته است، پس عامل مالک این فرصت نتیجه عملش بوده که مانع استفاده و تزییع فرصتش توسط دیگران از آن می شود، و با احیاء نسبت به دیگران اولویت می یابد. اما زراعتی که در زمین آباد طبیعی یا چرای حیوانات استفاده می کند، هرچند عملی انتفاعی است، اما حقی را برای کشاورز و چوپان در زمین ایجاد نمی کند، چراکه فرصت جدیدی همچون احیا انجام نداده است، پس توجیهی برای تملک ندارد. بنابراین بین این اعمال خلق فرصت

استفاده از زمینی است که قبلاً وجود نداشته پس مالک فرصتی است که احیا می‌نماید؛ از این رو به شرط جدیدی در عملی که حق خاصی در منابع طبیعی ایجاد می‌کند می‌رسیم، شرط اول: کار دارای وصف اقتصادی باشد، شرط دوم: کار فرصت مشخص جدیدی خلق کند. به همین ترتیب فرد حقی را در آن منبع با از بین رفت فرصت از دست خواهد داد. اما در چشمه که سرشار از آب است معمولاً با افزودن افراد برای رفع نیاز محدودیتی در فرصتی که خلق نموده ایجاد نمی‌کند، برخلاف احیای زمین که طبیعتاً امکان بهره‌وری چند نفر وجود ندارد. شرط کلی اجازه به غیر عامل میزان تأثیر آن بر فرصتی است که عامل با احیاء منبع طبیعی خلق نموده است.

۵. اساس تملک در ثروت‌های منقول: حيازت ثروت‌های منقول عمل اقتصادی انتفاعی است، بر خلاف حيازت منابع طبیعی که طبیعت احتکار داشته، و وصف اقتصادی ندارد. نوع دیگر کار در اینجا شبیه عمل احیای منابع طبیعی، عمل ایجاد فرصت انتفاع از منابع طبیعی منقول اگر طبیعتاً دارای سختی انتفاع از آن باشد، مانند صید حیوان وحشی.

۶. نقش کار تولیدی در نظریه: صید عملی است که فرصت مشخصی ایجاد می‌کند و به عامل حق تملک فرصت ایجاد شده را می‌دهیم، حق فرد در ثروت با فرصتی که از عملش ایجاد می‌شود مرتبط است که اگر آن فرصت و اثر آن عمل از بین رفت حقی در ثروت نیز از بین می‌رود.

۷. نقش حيازت در ثروت‌های منقول: احکام حيازت با صید متفاوت است، لذا پرنده حيازت شده اگر بگریزد، و دیگری صید کند باید به صاحبش برگرداند،

چراکه حيازت سبب مستقيم تملك آنست، و ربطی به تملك فرصت مشخص ندارد که با زوالش از بين رود. اما صيد توجیهي بر تملك فرصت ناشی از کارش نبوده، بلکه موجه حق انتفاع از آن است. فعالیت فرد برای انتفاع در منابع طبیعی تا زمانی که انتفاعش در آن ثروت مستمر است حقی در آن خواهد داشت.

۸. تعمیم اصل نظري حيازت: این اصل هم بر ثروت‌های منقول و هم بر منابع طبیعی جاری است، مانند زراعت زمین آباد، بر اساس آن حق ممانعت دیگران تا زمانی که مبادرت به انتفاع دارد پیدا می‌کند.

نظریه کلان توزیع پیش از تولید:

اصل اول: عامل در منابع طبیعی مالک نتیجه عملش است، که از این فرصت عمومی استفاده نموده است، اگر فرصتی که خلق کرده از بين رود حقتش نیز از بين می‌رود، مانند احیاء و صید.

اصل دوم: فعالیت انتفاعی در هر ثروت طبیعی حق ممانعت دیگران تا وقتی از آن استفاده می‌کند دارد، مانند حيازت منابع منقول طبیعی. خلق فرصت جدید و انتفاع مستمر دو منشأ اساسی حق خصوصی در منابع طبیعی است.

پیشنهادات تکمیل خلأهای روش شهید صدر

روش استناد به ادله لبی و لفظی

از اشکالاتی که به روش شهید صدر & در کشف نظام اقتصادی وارد است، اعطای دامنه وسیعی از اختیارات به ولی امر بر اساس نظریه منطقه الفراغ و سیاست‌گذاری و هدایت اقتصاد جامعه بر اساس اهداف کلان اسلام و دیدگاه عدالت اجتماعی است، در صورتی که می‌توان با استناد به ادله لبی و لفظی از منابع موجود استفاده حداکثری نمود و از تمام

ظرفیت های آن بهرمنند شد تا همواره ملتزم به همراهی با آموزه های شرعی باشیم، به این ترتیب که با جمع آوری تمام مستندات لفظی و لبی منعکس شده در منابع به صورت کلان و جزئی دست به نظریه پردازی نظام و تدارک نهادهای زیرمجموعه آن بزنیم و لحظه ای از توجه به این منابع غافل نگردیم.

شاید این نکته از منظر شهید صدر به دور نبوده و حرکت مجدد از زیربنا به روبنا و تطبیق با قانون مدنی را ناظر به توجه ایشان به این نکته بوده باشد، لکن با این تفاوت که ایشان معمولاً خلأها و مواردی که در نصوص به آن پرداخته نشده است را از باب منطقه الفراغ با نظر ولی فقیه پر می کنند، اما ما به دنبال استفاده حداکثری از ادله موجود در تطبیق با واقع بوده و این امر فقط به کلیات و مسائل کلان محدود نشده بلکه حتی در جزئیات نیز همین سیر می تواند استمرار داشته باشد. تا چنانکه مشهور است مسائل استنباطی با موافقت حداکثری با جهت گیری شریعت باشد، نه صرف عدم تعارض با نصوص کفایت کند (غفوری الحسنی، ۱۳۹۸)؛ به عنوان نمونه شهید صدر تعیین تولید بر اساس توزیع را با ولی امر می داند، تا اعمالی را که موجب سواستفاده از قواعد توزیع می شود منع کند، تا اصل دخالت دولت در توزیع را بر اساس قاعده کلی عدالت اجتماعی در هر زمان و مکانی تضمین کند.

در حالی که تشخیص ولی امر در اینکه امری موافق عدالت اجتماعی است، مثلاً در تعیین نوع تولید و نحوه توزیع ممکن است با اشتباهاتی هرچند ناخواسته مواجه باشد، که می توان با استفاده از حداکثر ظرفیت نصوص وارده، تصمیمات را صرفاً بر اساس اصل کلی عدالت قرار نداد و جهت تطابق حداکثری سیاست ها و برنامه ها لازم است همواره جریان رفت و برگشتی به نصوص داشته باشیم.

چنانکه شهید صدر وجه تمایز قواعد مکتبی از قوانین علمی را در ایده مشخصی از عدالت می داند، به عبارتی هر مکتب اقتصادی دیدگاه خاصی از عدالت دارد، یعنی در حالی که سرمایه داری آزادی مالکیت را عدالت می انگارند، مارکسیسم آن را ناعدالتی محض تلقی

می‌کنند، بر این اساس می‌توان گفت که مفهوم عدالت از یک سو در مکاتب مختلف نسبی است و از سوی دیگر راهبردهای عدالت اگر کاملاً برگرفته از آموزه‌های آن مکتب نباشد، انتساب آن به مکتب دشوار است (صدر، ۱۴۱۷ه: ۴۳۲-۴۳۴)؛ البته این به آن معنی نیست که با این روش از هرگونه سهو و اشتباهی مصون می‌مانیم، بلکه چنانکه گفته شد با استفاده از حداکثر توان تلاش می‌کنیم، از اشتباهات احتمالی در مسائل کلان و بلندمدت جلوگیری نماییم، نه در مسائل مقطعی و تصمیمات در شرایط خاص؛ مثلاً در مقطعی وزارت بهداشت تصور می‌کرد بر اساس دیدگاه عدالت جهت جلوگیری از کمبود منابع کشور و توجه به کیفیت جمعیت بیش از کمیت، پروژه تحدید نسل را مطرح کرد که با تأیید برخی علما و همراهی ایشان بعد از مدتی این پروژه کشور را با خطر پیری جمعیت در آینده مواجه ساخت. در حالی که تصور می‌شد این سیاستگذاری جهت تأمین اجتماعی جمعیت موجود است و کمبود منابع ممکن است نتواند جوابگوی نیازهای رشد جمعیت در آینده باشد.

قاعده ظهور مجموعی

یکی از مباحث اصول فقه ظهور مجموعی است به این معنا که مجموعه افراد مورد خطاب و اوامر شارع قرار می‌گیرند که ما می‌توانیم با گستره این حکم به سایر مباحث از مجموع احکام جزئی و کلان یک ظهور مجموعی استنباط کرده و در مسائلی که به ظاهر منبع و مستندی وجود ندارد با تمسک به این قاعده اصولی ظهور مجموعی برداشت نماییم، هرچند این موضوع با مسئله مذاق شریعت شاید نسبت‌هایی برقرار کند لکن فی‌المجموع می‌توان اینگونه گفت که مذاق شریعت ظن و گمان به حکمی احتمالی است لکن بر اساس قاعده ظهور مجموعی این برداشت احتمالی و بدون مستند نبوده بلکه بر اساس قرائن و شواهدی این استناد صورت می‌گیرد. ذکر مثالی در خصوص ظهور مجموعی گفت: یکی از دلالت‌های متعارف، دلالت ایماء است؛ در این زمینه می‌توانیم به روایت مشهور امام علی^ع در باب حکم حمل و رضاع اشاره کنیم.

پیشنهاد سایر نکات تکمیلی:

۱. در کنار احکام واجب و حرام که غالب توجه مجتهدین به خصوص شهید صدر در کشف نظام است نباید از ظرفیت احکام مستحب و مکروه در کنار دیگر احکام غافل شد، همچون کراهت راكد گذاشتن مال با وجود پرداخت حقوق شرعی.
۲. استفاده از روش کشف نظام در استنباط احکام جزئی، که ممکن است دید متفاوتی به فقیه در استنباطش دهد.
۳. توجه به واقع و ریشه مشکلات اجتماعی و استفاده از تجارب بشری در آن؛ فقیه نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از رشد روزافزون علم و تجربیات مختلف بشری بداند، بلکه نیاز است با استفاده از علوم و تکنولوژی جدید به موضوع‌شناسی و استنباط دقیق‌تر دست بزند.

نتیجه‌گیری

عمده روش‌های مطرح در خصوص کشف فقه نظام اقتصاد عبارت‌اند از:

۱. روش حرکت از روبنا: کشف مکتب در به دست آوردن نظریات اساسی (زیربنا)، استخراج مکتب از نصوص، مراجعه پیوستگی با قانون مدنی، استفاده از دیدگاه‌های دیگر برای انسجام‌بخشی به مکتب و تأمین حجیت با حکم ولایی دانسته و روش اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا)، به دو شکل از جهان‌بینی و از احکام به دست آمده است.
۲. روش استدلال‌انی و لمی: برای دستیابی به اصول مکتب سه راه کشف اصول مذهب (زیربنا) از احکام (روبنا) از راه استدلال‌انی؛ استنتاج اصول مذهب از

آموزه‌های هستی‌شناسانه از راه استدلال لّمی و استناد به نصوصی که به اصلی تصریح کرده‌اند».

۳. روش از کثرت به وحدت: زمانی که متعلّق حکم شرعی اصلی، امور عدیده است

نه واحد، اما نظامی برای امثال مجموعی آن‌ها نداریم، لذا به عنوان مقدمه وجودی امثال - و یا مندوحه واجب الرجوع عند التّزاحم - نظم واحدی را جستجو می‌کنیم که امثال مجموعی را ممکن کند^۱.

۴. روش نظام ولایت و فلسفه شدن: برای طراحی کلان جامعه، به سه محور: تولید

مفاهیم بنیادی (نظام مفاهیم)؛ توزیع این مفاهیم در آموزش و فرهنگ؛ و ساختار سازی نهادها و لایه‌های اجتماعی بر اساس این مفاهیم (نظام مناصب) داریم.

۵. روش دین راهبردی: در این رویکرد گزاره‌های دین به سه لایه نگرش ساز، راهبرد

ساز (استراتژیکی) و راهکار ساز (تاکتیکی) تقسیم شده و مدل سازی به وسیله پیوند زدن این سه لایه به یکدیگر در مصادیق و موضوعات انجام پذیرد، و نظام سازی در قالب چهار ابرمحور (ارتباط با محیط، ارتباط با هم‌نوع، ارتباط با خود و ارتباط با ماورا) و در سه ابر فرایند (فکری- معرفتی) «مبناساز قوانین و اخلاق، هدف ساز و آرمان ساز»، قانونی و فرهنگی) انجام می‌پذیرد.

^۱ هرگاه نصوص شرعی بالمطابقه بر مطلوبیت علّت یا معلول یک نظام دلالت داشته باشند، بالالتزام بر مطلوبیت آن نظام نیز دلالت خواهند داشت. از آنجاکه تأمین مطلوب شارع تأمین من جمیع الجهات است آن واحدی که آن را بالذات متعلّق حکم شرعی دانسته و نظام موجد آن را مطلوب بالعرض می‌دانیم.

۶. روش اندیشه مدون: بر اساس این نظریه «مبانی» تحقق بخش «اهداف» خواهند بود، در استخراج ساختار دیدگاه اسلام در موضوعات اجتماعی به تفکیک عناصر موقعیتی و جهان شمول اسلام از یکدیگر بر اساس عناصر ثابت و متغیر دین و ارتباط این سه محور با یکدیگر می پردازد.

۷. روش پارادایمی: این روش متعرض ماهیت نظام سازی نشده بلکه به لوازم آن بر پایه مفاهیم به دست آمده از مصاحبه با اندیشمندان حوزه نظام سازی، ابتدا کدگذاری باز و سپس محوری شده و ثمره این کدگذاری منجر به مدل پارادایمی با شش مؤلفه می شود: ۱. شرایط علی ۲. مقوله محوری ۳. شرایط زمینه‌ای ۴. شرایط مداخله‌گر ۵. کنش‌ها و برهم‌کنش‌ها جهت چکش‌کاری نظام؛ ۶. پیامدها و خروجی.

۸. روش فقه نظام سیاسی: تئوری نظام را باید از فقه کلان و از فقه سیاسی اجرا شده که اساس شکل‌گیری یک نظام است به دست آورد؛ که شهید صدر & در منطقه الفراغ و امام خمینی + در اختیارات ولی فقیه ارائه می دهند، که نظام و کلیه نیازمندی‌ها و خلأهای نظام اقتصادی را با حکم ولی فقیه تکمیل نمایند.

بنابراین روش‌های ارائه شده علاوه بر اینکه رویکرد عملی نداشته، بعضاً فقط بیان ضرورت کشف نظام بوده و برخی روش موقت یا ابداعی که با مشکل عدم امکان صحت انتساب به اسلام مواجهند، بنابراین روش‌های ارائه شده با روش شهید صدر بسیار فاصله دارند. سپس با تشریح بیان شهید صدر و چکیده دست‌آورد‌های ایشان در اقتصادنا در صد کشف روش ایشان بودیم که به طور مشخص بیان نفرموده‌اند؛ ایشان مراحل کشف مکتب را در بدست آوردن نظریات اساسی (زیربنا)، استخراج مکتب از نصوص، مراجعه پیوستگی با قانون مدنی، استفاده از دیدگاه‌های دیگر برای انسجام بخشی به مکتب و تأمین حجیت با حکم ولایی

دانسته و روش اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا)، به دو شکل از جهان بینی و از احکام بدست آمده با سه معیار: حرکت از موضوع عینی به نص، حرکت از مدلول جزئی به مدلول مشترک و حرکت از سلیقه شخصی به واقعیت میسر است.

در نهایت جهت ترمیم برخی کاستی‌ها پیشنهاد روش استناد به ادله لیبی و لفظی و قاعده ظهور مجموعی و برخی نکات تکمیلی ارائه کردیم تا استفاده حداکثری از منابع و تمام ظرفیت‌های آن شده تا همواره ملتزم به مطابقت با آموزه‌های شرعی باشیم و به اثبات کلیات بسنده نکنیم، همچنین با به کارگیری قاعده ظهور مجموعی اصول فقه می‌توان از مجموع احکام جزئی و کلان یک ظهور مجموعی استنباط کرده و در مسائلی که به ظاهر منبع و مستندی وجود ندارد با تمسک به این قاعده اصولی اثبات کنیم که نسبت به مذاق شریعت که حکمی احتمالی است این قاعده بر اساس شواهد مستند می‌گردد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بابایی مجرد، حسین و عبدالحسین زاده، محمد (۱۳۹۷)، «نظام سازی قرآن بنیان؛ چستی، چربی و چگونگی»، فصلنامه قسبات ۸۷، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- حرعاملی، محمدحسن (۱۴۰۹هـ)، «وسائل الشیعة»، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ ۱.
- حکیم، محسن (۱۴۱۶هـ)، «مستمسک العروة الوثقی»، قم: مؤسسه دارالتفسیر، چاپ ۱.
- رضایی منش، بهروز؛ بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۴)، «معناشناسی نظام سازی و روش شناسی کشف نظام از منابع دینی»، قسبات، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۷۶.
- سبحانی، حسن (۱۳۹۴) «اقتصاد اسلامی به مثابه یک سیستم»، تهران: دانشگاه تهران.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۷هـ) «اقتصادنا»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدوق، محمد (۱۳۸۶هـ)، «علل الشرائع»، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰هـ)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: موسسه الاعلمی.
- علی اکبری بابوکانی، احسان و طباطبایی، محمدصادق و آهنگری، احسان (۱۳۹۵)، «بازپژوهی امکان و حجیت نظام سازی در فقه با تأکید بر نگره شهید صدر»، فصلنامه فقه و اصول ش ۱۰۷.

- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، «فقه حکومتی، موضوع شناسی، نظام سازی و راهبردهای نهادهای نهادینه سازی آن»، گفتمان فقه حکومتی ۱.
- غفوری الحسنی، خالد (۱۳۷۹)، «فقه النظرية لدى شهيد الصدر»، قم: فقه أهل البيت.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۷)، «نقد فقه نظامات»، fazellankarani.com.
- فنجري، محمد شوقي (۱۴۱۷هـ)، «الوجيز في الاقتصاد الاسلامي»، چاپ ۵، رياض: دارالتحقيق.
- قحف، منذر (۱۳۸۵)، «علم اقتصاد اسلامي»، فصلنامه اقتصاد اسلامي، ش ۲۳.
- لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۷)، «فقه نظام و فقه اجتماعي»، ماهنامه سرائر ۳ و ۴، آذرماه.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷هـ)، «الكافي»، تهران: دار الكتب الاسلامية.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳هـ)، «بحار الانوار»، بيروت.
- میرباقری، محمد مهدی و نصرتی، علی اصغر (۱۳۹۸)، «امکان سنجی مهندسی فقه سیاسی در سه پارادایم فقه حکم و موضوع»، فصلنامه سیاست متعالیه ۲۴.
- میرمعزی، حسین (بهار ۱۳۹۴)، «تعریف و روش کشف نظام اقتصادی اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۵۷، ۲۹-۵۰.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴هـ)، «جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام»، بيروت: نشر دار إحياء التراث العربي، ج ۷.